

بسم الله الرحمن الرحيم

پاسخ به شبهه: اگر بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام بلایا از شهر قم دور گشته پس علت گرفتار شدن این شهر به برخی بلاهای طبیعی و بیماری ها چیست؟!

مقدمه

یکی از مواردی که در روایاتی از اهل بیت علیهم السلام به آن اشاره شده، دفع شدن بلاها و فتنه ها از شهر مقدس قم می باشد اما با توجه به بروز برخی حوادث و بلاهای طبیعی و بیماری ها شبهاتی در این زمینه ایجاد شده است که در این مطلب به آن ها می پردازیم.

طرح شبهه

بر اساس روایات شیعه، بلا و فتنه ها از شهر قم دور شده است:

وَعَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا عَمَّتِ الْبُلْدَانَ الْفِتْنُ فَعَلَيْكُمْ بِقَمٍّ وَ حَوَائِجِهَا وَ نَوَاحِيهَا فَإِنَّ الْبَلَاءَ مَدْفُوعٌ عَنْهَا.

المجلسي، محمد باقر (المتوفى ١١١١هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٥٧، ص ٢١٤، ح ٢٦، تحقيق: جمعی از محققان، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ١٤٠٣هـ - ١٩٨٣م.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند: چون فتنه همه بلاد را در برگیرد بر شما باد که به قم و اطرافش پناه برید که بلاء از آن به دور است.

وَعَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ جَمَاعَةٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا عَمَّتِ الْبُلَايَا فَالْأَمْنُ فِي كُوفَةٍ وَ نَوَاحِيهَا مِنَ السَّوَادِ وَ قُمَّ مِنَ الْجَبَلِ وَ نِعْمَ الْمَوْضِعُ، قُمَّ لِلْخَائِفِ الطَّائِفِ.

المجلسي، محمد باقر (المتوفى ١١١١هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٥٧، ص ٢١٤، ح ٢٨، تحقيق: جمعی از محققان، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ١٤٠٣هـ - ١٩٨٣م.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند: چون بلاها همه‌گیر شدند آسودگی در سواد کوفه و اطراف آنست، و در بلاد جبل قم، و چه خوب جایی است قم برای ترسان آواره.

و رُوِيَ مَرْفُوعًا إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيِّ بِإِسْنَادِهِ إِلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَاعِ قَالَ: إِذَا عَمَّتِ الْبُلْدَانَ الْفِتْنُ فَعَلَيْكُمْ بِقُمْ وَ حَوَالِيهَا وَ نَوَاحِيهَا فَإِنَّ الْبَلَاءَ مَرْفُوعٌ عَنْهَا.

المجلسي، محمد باقر (المتوفى ١١١١هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٥٧، ص ٢١٧، ح ٤٤٤، تحقيق: جمعی از محققان، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ١٤٠٣هـ - ١٩٨٣م.

از امام رضا علیه السلام نقل شده است که فرمودند: چون همه شهرها را فتنه گرفت بر شما باد به قم و اطرافش که بلاء از آن بدور است.

و عَنْ سَهْلِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَمَزَةَ بْنِ الْقَاسِمِ الْعَلَوِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ الْهَاشِمِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ الصَّادِقِ ع قَالَ: إِذَا أَصَابَتْكُمْ بَلِيَّةٌ وَ عَنَاءٌ فَعَلَيْكُمْ بِقُمْ فَإِنَّهُ مَأْوَى الْقَاطِمِيِّينَ وَ مُسْتَرَاخَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سِيَّاتِي زَمَانٌ يَنْفِرُ أَوْلِيَائُونَا وَ مُحِبُونَا عَنَا وَ يَبْعُدُونَ مِنَّا وَ ذَلِكَ مَصْلَحَةٌ لَهُمْ لِكَيْلَا يَعْرِفُوا بِوِلَايَتِنَا وَ يَحْقَنُوا بِذَلِكَ دِمَاؤَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ وَ مَا أَرَادَ أَحَدٌ بِقُمْ وَ أَهْلِهِ سُوءًا إِلَّا أَذَلَّهُ اللَّهُ وَ أَبْعَدَهُ مِنْ رَحْمَتِهِ.

المجلسي، محمد باقر (المتوفى ١١١١هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٥٧، ص ٢١٥، ح ٣٢٢، تحقيق: جمعی از محققان، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ١٤٠٣هـ - ١٩٨٣م.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند: چون بلاء و رنجی بشما رسد بر شما است که به قم بروید که جایگاه بنی فاطمه و آسایشگاه مؤمنان است و زمانی آید که اولیاء و دوستان ما از ما گریزان و دور شوند و این صلاح آنها است که بدوستی ما شناخته نشوند، و خون و مالشان در امان ماند، کسی به قم و مردمش سوء قصد نکند جز اینکه خدا او را خوار کند و از رحمت خود دور کند.

و عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قُتَيْبَةَ الْهَمْدَانِيِّ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكَشْمَارِجَانِيِّ [الْكَمَشَارِجَانِيِّ] عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ أَبِي الْأَكْرَادِ عَلِيِّ بْنِ مَيْمُونِ الصَّائِغِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ احْتَجَّ بِالْكُوفَةِ عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَهْلِهَا عَلَى غَيْرِهِمْ مِنْ أَهْلِ الْبِلَادِ وَ احْتَجَّ بِبِلَدَةِ قُمْ عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ وَ بِأَهْلِهَا عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ لَمْ يَدْعِ اللَّهُ قُمْ وَ أَهْلَهُ مُسْتَضْعَفًا بَلْ وَفَّقَهُمْ وَ أَيْدَهُمْ ثُمَّ قَالَ إِنَّ الدِّينَ وَ أَهْلَهُ بِقُمْ ذَلِيلٌ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَأَسْرَعَ النَّاسُ إِلَيْهِ فَحَرِبَ قُمْ وَ بَطَلَ أَهْلُهُ فَلَمْ يَكُنْ حُجَّةً عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ وَ إِذَا كَانَ كَذَلِكَ لَمْ تَسْتَقِرَّ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ وَ لَمْ يَنْظُرُوا طَرْفَةً عَيْنٍ وَ إِنَّ الْبَلَايَا مَدْفُوعَةٌ عَنْ قُمْ وَ أَهْلِهَا وَ سِيَّاتِي زَمَانٌ تَكُونُ بِلَدَةُ قُمْ وَ أَهْلُهَا حُجَّةً عَلَى الْخَلَائِقِ وَ ذَلِكَ فِي زَمَانٍ غَيْبِيَةٍ قَائِمْنَا عَ إِلَى ظُهُورِهِ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا وَ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَدْفَعُ الْبَلَايَا عَنْ قُمْ وَ أَهْلِهَا وَ مَا قَصَدَهُ

جَبَّارٌ بِسُوءِ إِلَّا قَصَمَهُ قَاصِمُ الْجَبَّارِينَ وَ شَغَلَهُ عَنْهُمْ بَدَاهِيَةٌ أَوْ مُصِيبَةٌ أَوْ عَدُوٌّ وَ يُنْسِي اللَّهُ الْجَبَّارِينَ فِي دَوْلَتِهِمْ ذِكْرَ قَوْمٍ وَ أَهْلِهِ كَمَا نَسُوا ذِكْرَ اللَّهِ.

المجلسي، محمد باقر (المتوفى ١١١١هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٥٧، ص ٢١٣، ح ٢٢، تحقيق: جمعی از محققان، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ١٤٠٣هـ - ١٩٨٣م.

از امام صادق عليه السلام نقل شده است که فرمودند: خدا کوفه را حجت دیگر شهرها کرد و مؤمنانش را حجت بر مردم بلاد دیگر و قم را حجت شهرهای دیگر نمود و مردمش را حجت بر اهل مشرق و مغرب از جن و انس، و قم و مردمش را مستضعف وانگذاشت بلکه بآنها کمک کرد و توفیق داد سپس فرمود: دین و اهل دین در قم خوار و زبونند و گر نه مردم بدان شتافتند و قم ویران میشد و مردمش از میان میرفتند و حجت بر بلاد دیگر نمیشد، و آنگه آسمان و زمین بر پا نمی ماند و یک چشم بر همزدن مهلت نمیداشتند و راستی که بلاها از قم و مردم قم بدورند، و البته زمانی آید که شهر قم و مردمش حجت بر همه آفریدهها باشند و آن در زمان غیبت امام غایب علیه السلام تا ظهورش، و اگر آن نباشد زمین اهلش را فرو برد.

و راستی که فرشتهها بلاها را از قم و مردمش دور کنند، و هیچ زورگو بدان سوء قصد نکند جز اینکه قاصم الجبارین او را خرد کند و بوسیله گرفتاری و مصیبت و دشمنی او را از آنها بازدارد، و خدا جباران را در دوران حکومتشان بفراموشی از قم و مردمش دچار کند چنانچه یاد خدا را فراموش کردند.

وَ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ الْحَسَنِيِّ عَنْ إِسْحَاقَ النَّاصِحِ مَوْلَى جَعْفَرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأُولَى قَالَ: قُمْ عَشْرَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَاوَى شِيعَتِهِمْ وَ لَكِنْ سَيَهْلِكُ جَمَاعَةٌ مِنْ شَبَابِهِمْ بِمَعْصِيَةِ آبَائِهِمْ وَ الْاسْتِخْفَافِ وَ السَّخْرِيَّةِ بِكِبْرَائِهِمْ وَ مَشَايِخِهِمْ وَ مَعَ ذَلِكَ يَدْفَعُ اللَّهُ عَنْهُمْ شَرَّ الْأَعَادِي وَ كُلِّ سُوءٍ.

المجلسي، محمد باقر (المتوفى ١١١١هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٥٧، ص ٢١٤، ح ٣١، تحقيق: جمعی از محققان، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ١٤٠٣هـ - ١٩٨٣م.

از امام کاظم عليه السلام نقل شده که فرمودند: قم آشیانه آل محمد است و جایگاه شیعیانشان ولی البته هلاک شوند گروهی از جوانهایشان بگناه پدران خود و برای خوار شمردن و مسخره کردن بزرگانشان و مشایخشان و با این وضع خدا شر دشمنان و هر بدی را از آنها بگرداند.

سوالی که مطرح می شود آن است که چرا خداوند آن طور که این روایات ادعا می کنند شهر قم را از بسیاری از حوادث غیر مترقبه و بلایای طبیعی و بیماری ها حفظ نکرده است؟!

۱- بررسی متن روایات و شرح آن ها

اولا: ما در این نوشتار به هیچ وجه رویکرد سندی نداریم و به بررسی سندی نمی پردازیم. پاسخ ها و استدلالات ما در این نوشتار با فرض پذیرش صدور این روایات از معصومین علیهم السلام به رشته ی تحریر درآمده است.

ثانیا: اگر در روایات مورد بحث و روایات مشابه - که در ادامه آن ها را نقل خواهیم کرد - دقت کنیم در می یابیم که بحث کلیدی که پاسخ به شبهه ی مورد بحث نیز در آن نهفته، روشن شدن مقصود از «بلایا» و «فتنه ها» و «سوء» در روایات فوق می باشد.

بحث مهم و اساسی آن است که مقصود اهل بیت علیهم السلام از در امان ماندن شهر مقدس قم از بلایا و فتنه ها و سوء چه بوده و چرا تا این حد محبان خود را به مهاجرت بدانجا تشویق کرده اند؟! اگر به پاسخ این سوال اساسی برسیم پاسخ شبهه نیز خود به خود داده شده است.

با دقت در متن روایاتی که معاندان به آن استناد کرده اند و همچنین با مراجعه به روایات مشابه در می یابیم که در تمامی روایات، اهل بیت علیهم السلام از آن جهت به شهر مقدس قم اشاره کرده و محبان و شیعیان خود را به مهاجرت به آن تشویق کرده اند که این شهر مرکز شیعیان و یاران و دوستان اهل بیت علیهم السلام بوده و از بهترین اماکن به منظور حفظ جان و مال و ناموس شیعیان به شمار می رفته است. منظور از «فتنه» و «بلا» و «سوء» در روایات مذکور نیز فتنه ها و بلاهای جنگ و کشت و کشتار شیعیان و محبان اهل بیت علیهم السلام و تعرض به جان و مال و ناموس ایشان از سوی دشمنان دین و نواصب و فتنه های عقیدتی می باشد و لزوما ارتباطی با بلاهای طبیعی چون سیل و زلزله و آتش سوزی و طوفان و قحطی و شیوع بیماری و ... ندارد.

به این روایت که در متن شبهه هم آمده بود دقت کنید:

وَعَنْ سَهْلِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَمَزَةَ بْنِ الْقَاسِمِ الْعَلَوِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ الْهَاشِمِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ الصَّادِقِ ع قَالَ: إِذَا أَصَابَتْكُمْ بَلِيَّةٌ وَعَنَاءٌ فَعَلَيْكُمْ بِقَوْمٍ فَإِنَّهُ مَأْوَى الْقَاطِمِينَ وَ مُسْتَرَاخِ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيَاتِي زَمَانٌ يَنْفِرُ أَوْلِيَائُنَا وَ مُحِبُّونَا عَنَّا وَ يَبْعِدُونَ مِنَّا وَ ذَلِكَ مَصْلَحَةٌ لَهُمْ لِكَيْلَا يَعْرِفُوا بَوْلَايَتِنَا وَ يَحْقِنُوا بِذَلِكَ دِمَاؤَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ وَ مَا أَرَادَ أَحَدٌ بِقَوْمٍ وَ أَهْلِهِ سُوءًا إِلَّا أَذَلَّهُ اللَّهُ وَ أَبْعَدَهُ مِنْ رَحْمَتِهِ.

المجلسي، محمد باقر (المتوفى ١١١١هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٥٧، ص ٢١٥، ح ٣٢، تحقيق: جمعي از محققان، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ١٤٠٣هـ - ١٩٨٣م.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند: چون بلاء و رنجی بشما رسد بر شما است که به قم بروید که جایگاه بنی فاطمه و آسایشگاه مؤمنان است و زمانی آید که اولیاء و دوستان ما از ما گریزان و دور شوند و این صلاح آنهاست که بدوستی ما شناخته نشوند، و خون و مالشان در امان ماند، کسی به قم و مردمش سوء قصد نکند جز اینکه خدا او را خوار کند و از رحمت خود دور کند.

ملاحظه می فرمایید که در این حدیث امام صادق علیه السلام از آن جهت مؤمنان و محبان اهل بیت علیهم السلام را به مهاجرت به قم تشویق می کنند که این شهر «جایگاه بنی فاطمه و آسایشگاه مؤمنان» است. یعنی از آن جهت که این شهر مرکز شیعیان و محبان اهل بیت علیهم السلام بوده سایر شیعیان نیز با مهاجرت به آن جان و مال و ناموس خود را در امنیت کامل قرار می داده اند. «بلاء» و «عناء» (بلا و رنج) ذکر شده در روایت نیز دقیقاً ناظر بر آزار و اذیت شیعیان از سوی نواصب و حاکمان ظالم وقت می باشد و **روایت لزوماً ارتباطی با بلایای طبیعی ندارد** که اگر چنین می بود بسیاری از شهرهایی که شیعیان در آن با سختی فراوان زندگی می کردند و از سوی نواصب مورد آزار و اذیت قرار می گرفتند به ندرت با بلایای طبیعی و یا مواردی چون شیوع بیماری ها و قحطی رو به رو می شد.

وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْفَقِيهُ الْهَمْدَانِيُّ فِي كِتَابِ الْبُلْدَانِ إِنَّ أَبَا مُوسَى الْأَشْعَرِيَّ رَوَى أَنَّهُ سَأَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَنِ أَسْلَمِ الْمَدِينِ وَ خَيْرِ الْمَوَاضِعِ عِنْدَ نُزُولِ الْفَتَنِ وَ ظُهُورِ السَّيْفِ فَقَالَ أَسْلَمُ الْمَوَاضِعِ يَوْمَئِذٍ أَرْضُ الْجَبَلِ فَإِذَا اضْطَرَبَتْ خُرَاسَانُ وَ وَقَعَتْ الْحَرْبُ بَيْنَ أَهْلِ جَرَجَانَ وَ طَبْرِسْتَانَ وَ خَرِبَتْ سَجِسْتَانُ فَأَسْلَمُ الْمَوَاضِعِ يَوْمَئِذٍ قَصَبَةُ قُمٍ تِلْكَ الْبَلَدَةُ الَّتِي يَخْرُجُ مِنْهَا أَنْصَارُ خَيْرِ النَّاسِ أَبَا وَ أُمًّا وَ جَدًّا وَ جَدَّةً وَ عَمًّا وَ عَمَّةً تِلْكَ الَّتِي تَسْمَى الزَّهْرَاءَ بِهَا مَوْضِعُ قَدَمِ جَبْرِئِيلَ وَ هُوَ الْمَوْضِعُ الَّذِي تَبَعَ مِنْهُ الْمَاءُ الَّذِي مِنْ شَرْبِ مَنْهُ أَمِنَ مِنَ الدَّاءِ وَ مِنْ ذَلِكَ الْمَاءِ عُجِنَ الطِّينُ الَّذِي عَمِلَ مِنْهُ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ وَ مِنْهُ يَغْتَسَلُ الرِّضَاعُ وَ مِنْ ذَلِكَ الْمَوْضِعِ يَخْرُجُ كَبْشُ إِبْرَاهِيمَ وَ عَصَا مُوسَى وَ خَاتَمُ سَلِيمَانَ.

المجلسي، محمد باقر (المتوفى ١١١١هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٥٧، ص ٢١٧، ٤٧، تحقيق: جمعي از محققان، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ١٤٠٣هـ - ١٩٨٣م.

ابو عبد الله همدانی در کتاب بلدان گفته: ابو موسی اشعری روایت کرده که در خصوص **سالمترین شهرها را از امیر المؤمنین علیه السلام پرسیدند و از بهترین جاها هنگام پدید شدن آشوب و شمشیر، فرمود: سالمترین جاها در آن روز و سرزمین جبل است، چون خراسان بهم خورد و جنگ شد میان مردم گرگان و طبرستان و سیستان ویران شد سالمترین جاها آن روز قصبه قم** است آن شهری که یاران بهترین مردم از نظر پدر و مادر و جد و جدّه و عمو و عمه از آن بر آیند آنجا که زهراء نامیده شود و جای پای جبرئیل در آنست آنجا که از آن آبی جوشد و هر که از آن نوشد از درد آسوده شود از آن آب خمیر شود گلی که از آن نمونه پرنده ساخته شد و از آن آب امام رضا علیه السلام غسل کرد، و از آنجا کبش ابراهیم و عصای موسی و انگشتر سلیمان بدر آمدند.

همانطور که مشخص است در این روایت نیز شهر مقدس قم به عنوان بهترین شهرها از جهت امنیت و در امان ماندن شیعیان از آشوب ها و کشت و کشتار معرفی شده است.

و عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَهْلٍ بْنِ الْيَسَعِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا فَقَدَ الْأَمْنُ مِنَ الْعِبَادِ وَ رَكِبَ النَّاسُ عَلَى الْخِيُولِ وَ اعْتَزَلُوا النِّسَاءَ وَ الطَّيِّبَ فَالْهَرَبُ الْهَرَبُ عَنْ جَوَارِهِمْ فَقُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ إِلَى أَيْنَ قَالَ إِلَى الْكُوفَةِ وَ نَوَاحِيهَا أَوْ إِلَى قُمَّ وَ حَوَالِيهَا فَإِنَّ الْبَلَاءَ مَدْفُوعٌ عَنْهُمَا.

المجلسي، محمد باقر (المتوفى ١١١١هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٥٧، ص ٢١٤، ح ٢٩٩، تحقيق: جمعی از محققان، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ١٤٠٣هـ - ١٩٨٣م.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند: چون آسایش بندگان نابود گردد و مردم اسب سوار شوند و از زنان و بوی خوش کناره کنند، گریز، گریز از کنار آنها! گفتیم؟ قربانت شوم، به کجا؟ فرمود به کوفه و اطرافش یا قم و اطرافش که بلا از آن دو به دور است.

ملاحظه می فرمایید که بر اساس این روایت نیز مقصود از «بلا» به هیچ وجه نمی تواند بلايای طبیعی و شیوع بیماری ها و قحطی و ... باشد و فضای حاکم بر روایت، بروز فتنه های «امنیتی» و «فرهنگی» برای شیعیان می باشد.

و عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْكَرْخِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ صَالِحٍ قَالَ: كُنَّا ذَاتَ يَوْمٍ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَذَكَرَ فِتْنَةَ بَنِي عَبَّاسٍ وَ مَا يَصِيبُ النَّاسَ مِنْهُمْ فَقُلْنَا جَعَلْنَا فِدَاكَ قَائِنَ الْمَفْزَعِ وَ الْمَقَرِّ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ فَقَالَ إِلَى الْكُوفَةِ وَ حَوَالِيهَا وَ إِلَى قُمَّ وَ نَوَاحِيهَا ثُمَّ قَالَ فِي قُمَّ شِيعَتُنَا وَ مَوَالِينَا وَ تَكْتَرُ فِيهَا الْعِمَارَةُ وَ يَقْصِدُهُ النَّاسُ وَ يَجْتَمِعُونَ فِيهِ حَتَّى يَكُونَ الْجَمْرَ بَيْنَ بِلَدَتِهِمْ.

المجلسي، محمد باقر (المتوفى ١١١١هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٥٧، ص ٢١٥، ح ٣٥٥، تحقيق: جمعی از محققان، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ١٤٠٣هـ - ١٩٨٣م.

از سلیمان بن صالح نقل شده که می گوید روزی نزد امام ششم علیه السلام بودیم و فتنه های بنی عباس ذکر شد و آنچه از (ظلم) آنها به مردم میرسد، گفتیم: قربانت، پناهگاه و گریز در این زمان به کجا است؟ فرمود: به کوفه و اطرافش و به قم و اطرافش و آنگاه فرمود: شیعیان و دوستان ما در قم هستند، آبادانی در آن فزون شود و مردم در آن گرد آیند تا آتش میان شهرشان باشد.

این روایت نیز به صورت صریح و آشکار مقصود از «فتنه»، فتنه های بنی عباس و ظلم و ستم آن ها نسبت به شیعیان می باشد و این کلام امام صادق علیه السلام که «شیعیان و دوستان ما در قم هستند» نیز ناظر بر آن است که شهر قم از آن جهت که مرکز تشیع است مکانی مناسب و امن برای شیعیان به منظور در امان ماندن از فتنه ها و حفظ جانشان می باشد.

وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قُتَيْبَةَ الْهَمْدَانِيِّ وَالحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الكَشْمَارِجَانِيِّ [الْكَمَشَارِجَانِيِّ] عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ أَبِي الْأَكْرَادِ عَلِيِّ بْنِ مَيْمُونِ الصَّائِغِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ ... وَ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَدْفَعُ الْبَلَاءَ عَنْ قَوْمٍ وَ أَهْلَهُ وَ مَا قَصَدَهُ جَبَّارٌ بِسُوءِ إِلَّا قَصَمَهُ قَاصِمُ الْجَبَّارِينَ وَ شَغَلَهُ عَنْهُمْ بِدَاهِيَةٍ أَوْ مَصِيبَةٍ أَوْ عَدُوٍّ وَ يَنْسِي اللَّهُ الْجَبَّارِينَ فِي دَوْلَتِهِمْ ذَكَرَ قَوْمٌ وَ أَهْلُهُ كَمَا نَسُوا ذَكَرَ اللَّهُ.

المجلسي، محمد باقر (المتوفى ١١١١ هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٥٧، ص ٢١٣، ح ٢٢، تحقيق: جمعی از محققان، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ١٤٠٣ هـ - ١٩٨٣ م.

از امام صادق عليه السلام نقل شده است که فرمودند: ... و به راستی که فرشته ها بلاها را از قم و مردمش دور کنند، و هیچ زورگو بدان سوء قصد نکند جز اینکه قاصم الجبارین او را خرد کند و بوسیله گرفتاری و مصیبت و دشمنی او را از آنها بازدارد، و خدا جباران را در دوران حکومتشان به فراموشی از قم و مردمش دچار کند چنانچه یاد خدا را فراموش کردند.

این روایت نیز دور شدن بلا از قم را چنین مطرح کرده که مورد سوء قصد زورگویان قرار نمی گیرد و مکانی امن باقی می ماند که همان مسأله ی «امنیت» و «حفظ جان» شیعیان مد نظر است. در روایتی دیگر میخوانیم:

وَعَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع قَالَ: إِنَّ لَعْلَى قَوْمٌ مَلَكَ رَفَرَفَ عَلَيْهَا بِجَنَاحِهِ لَا يَرِيدُهَا جَبَّارٌ بِسُوءٍ إِلَّا أَدَابَهُ اللَّهُ كَذَوْبِ الْمَلْحِ فِي الْمَاءِ ثُمَّ أَشَارَ إِلَى عَيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ فَقَالَ سَلَامَ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ قَوْمٍ قَوْمٍ يَسْقِي اللَّهُ بِلَادَهُمُ الْغَيْثَ وَ يَنْزِلُ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْبَرَكَاتَ وَ يَدُلُّ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ هُمْ أَهْلُ رُكُوعٍ وَ سُجُودٍ وَ قِيَامٍ وَ قُعُودٍ هُمْ الْفُقَهَاءُ الْعُلَمَاءُ الْفُهَمَاءُ هُمْ أَهْلُ الدَّرَايَةِ وَ الرِّوَايَةِ وَ حُسْنِ الْعِبَادَةِ.

المجلسي، محمد باقر (المتوفى ١١١١ هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٥٧، ص ٢١٧، ح ٤٦، تحقيق: جمعی از محققان، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ١٤٠٣ هـ - ١٩٨٣ م.

از امام صادق عليه السلام نقل شده که فرمودند: بر قم فرشته ای است که بر آن پر میزند با دو بالش و هیچ زورگو سوء قصد بدان نکند جز آن که خدا او را آب کند بمانند نمک در آب، سپس اشاره به عیسی بن عبد الله کرد و فرمود: درود خدا بر مردم قم، خدا بلادشان را سیر باران کند، و برکات خود را بر آنها فرو آورد و گناهانشان را بدل بحسنات کند، آنان اهل رکوع و سجود و قیام و قعودند، آنان فقهاء علماء بافه هستند، آنان اهل فهم و روایت و عبادت خوبند.

بر اساس این روایت نیز وجه برتری قم آن است که هیچ زورگویی توانایی تسلط بر قم و پیاده سازی نقشه های شوم خود در مورد آن را ندارد. بدیهی است که با عرضه ی این روایت بر سایر روایت مشخص می گردد که منظور همان «امنیت» و در امان ماندن قم از بدخواهان و معاندان و تسلط نواصب می باشد.

مشابه مضمون بالا در روایات دیگری نیز وارد شده که از این قرار است:

مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَا حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ حَمَزَةَ، عَنِ عُمَرَ بْنِ الْقُمَيْ، عَنْ حَمَادِ النَّابِ، قَالَ، كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) وَنَحْنُ جَمَاعَةٌ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ عُمَرَانُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْقُمَيْ فَسَأَلَهُ وَبَرَّهُ وَبَشَّهْ، فَلَمَّا أَنْ قَامَ، قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) مَنْ هَذَا الَّذِي بَرَّرْتَهُ هَذَا الْبِرَّ فَقَالَ هَذَا مِنْ أَهْلِ بَيْتِ النَّجَبَاءِ، مَا أَرَادَهُمْ جَبَّارٌ مِنَ الْجَبَابِرَةِ إِلَّا قَصَمَهُ اللَّهُ.

الطوسي، الشيخ الطائفة أبي جعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسين (المتوفى ٤٦٠هـ)، اختيار معرفة الرجال المعروف برجال الكشي، ص ٣٣٣، ٦٨٠هـ، محقق: حسن مصطفوي، الناشر: مؤسسة نشر دانشگاه مشهد، الطبعة: الأولى، ١٤٠٩ هـ.

حماد ناب گفت: خدمت حضرت صادق بودم در منی با عده‌ای در این موقع عمران بن عبد الله قمی وارد شد از او حال پرسید و بسیار مورد لطف قرار داد و با صورت باز و شادمان با او صحبت کرد وقتی رفت من به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: این کیست که این قدر به او لطف نمودی؟ فرمود: این از خانواده‌ای است نجیب که هر یک از ستمگران روزگار قصد سوئی نسبت به آنها نمودند خدا آنها را نابود کرد.

مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَا حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ حَمَزَةَ، عَنِ الْمَرْزَبَانَ بْنِ عُمَرَ، عَنْ أَبَانَ بْنِ عُمَانَ، قَالَ، دَخَلَ عُمَرَانُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْقُمَيْ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)، فَقَرَّبَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ، فَقَالَ لَهُ كَيْفَ أَنْتَ وَكَيْفَ وَلَدُكَ وَكَيْفَ أَهْلُكَ وَكَيْفَ بَنُو عَمِّكَ وَكَيْفَ أَهْلُ بَيْتِكَ ثُمَّ حَدَّثَهُ مَلِيًّا فَلَمَّا خَرَجَ، قِيلَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) مَنْ هَذَا قَالَ هَذَا نَجِيبٌ قَوْمِ نَجَبَاءٍ مَا نَصَبَ لَهُمْ جَبَّارٌ إِلَّا قَصَمَهُ اللَّهُ.

الطوسي، الشيخ الطائفة أبي جعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسين (المتوفى ٤٦٠هـ)، اختيار معرفة الرجال المعروف برجال الكشي، ص ٣٣٣، ٦٠٩هـ، محقق: حسن مصطفوي، الناشر: مؤسسة نشر دانشگاه مشهد، الطبعة: الأولى، ١٤٠٩ هـ.

از ابان بن عثمان که عمران بن عبد الله به امام ششم علیه السلام وارد شد و به او فرمود: چگونه هستی و خانواده‌ات چگونه‌اند، عمو زاده‌هاست چگونه‌اند و اهل خانه‌ات چگونه‌اند، و آنگاه، پر با او سخن گفت: و چون بیرون رفت من به امام ششم علیه السلام گفتم: این کی بود؟ فرمود: نجیبی از مردم نجیب که هیچ زورگو دامی بر ایشان نهد جز اینکه خدا خوردش کند.

جالب آن که یکی از علمای اهل سنت داستانی را در مورد شهر مقدس قم نقل می کند که بی ارتباط با این مضامین نیست و نقل آن در این جا خالی از لطف نمی باشد.

ومن ظريف ما يحكى: أنه ولي عليهم وال وكان سنياً متشدداً فبلغه عنهم أنهم لبغضهم الصحابة الكرام لا يوجد فيهم من اسمه أبو بكر قط ولا عمر، فجمعهم يوماً وقال لرؤسائهم: بلغني أنكم تبغضون صحابة رسول الله، صلى الله عليه وسلم، وأنكم لبغضكم إياهم لا تسمون أولادكم بأسمائهم، وأنا أقسم بالله العظيم لئن لم تجيئوني برجل منكم اسمه أبو بكر أو عمر ويثبت عندي أنه اسمه لأفعلن بكم ولأصنعن، فاستمهلوه ثلاثة أيام وفتشوا مدينتهم واجتهدوا فلم يروا إلا رجلاً صلوكاً حافياً عارياً أحول أقبح خلق الله منظراً اسمه أبو بكر لأن أباه كان غريباً استوطنها فسماه بذلك، فجاؤوا به فشتهم وقال: جئتموني بأقبح خلق الله تتنادرون علي! وأمر بصفعهم، فقال له بعض ظرفائهم: أيها الأمير اصنع ما شئت فإن هواء قم لا يجيء منه من اسمه أبو بكر أحسن صورة من هذا، فغلبه الضحك وعفا عنهم.

و از جمله داستان های ظریفی که نقل می شود آن است که زمانی یک حاکم سُنی متشدد و متعصب بر مردم قم حاکم شد و به او خبر رسید که مردم قم به دلیل بغضی که نسبت به صحابه دارند هرگز اسم ابوبکر و عمر در بین آن ها وجود ندارد. به همین دلیل آن حاکم یک روز مردم را جمع کرد و به سران آن ها گفت: به من خبر رسیده است که شما بغض صحابه ی بزرگوار رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را در دل دارید و به همین دلیل فرزندان آن را به اسم آن ها نامگذاری نمی کنید. من به خداوند قسم می خورم که اگر کسی از خودتان را که اسمش ابوبکر یا عمر باشد - و برایم ثابت شود که اسمش همان است - برایم نیاورید با شما چنین و چنان خواهم کرد. سران مردم قم از آن حاکم سه روز مهلت خواستند و در شهرشان گشتند و تلاش کردند و فقط شخصی مفلوک و پابرهنه و برهنه و احوال (لوچ) و زشت ترین خلق خدا از جهت اوصاف چهره را یافتند که نامش ابوبکر بود. به این دلیل که پدر آن شخص اهل آنجا نبود و وی را در آن جا اقامت داده بود و نامش را ابوبکر گذاشته بود. وی را به نزد حاکم بردند. حاکم آن ها را دشنام داد و گفت: زشت ترین خلق خدا را برای من آورده اید و مرا مسخره ی خود ساخته اید؟! سپس حاکم دستور داد تا آن ها را پس گردنی بزنند! برخی از بذله گویان و ظریف گویان مردم گفتند: ای امیر، هرکار می خواهی بکن! هوای قم به گونه ای است که اگر کسی نامش ابوبکر باشد چهره اش زیباتر از این نمی شود! خنده بر حاکم غلبه کرد و از ایشان درگذشت.

جالب است که بر اساس همین روایت اهل سنت، آن حاکم متعصب هم بعد از سوگند یاد کردن و احساس تحقیر توسط مردم قم، باز هم در اینجا نتوانست به آنها ظلم کند و سایه این تعصب خود را با عذاب شیعیان قم گسترش دهد!

همچنین بر اساس بخش دیگری از روایاتی که در فضیلت شهر مقدس قم و وجه برتری و فضیلت آن وارد شده، مرکزیت تشیع و نشر علوم اهل بیت علیهم السلام و حفاظت و حراست از معارف اهل بیت علیهم السلام به صورت خاص مورد اشاره ی اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته که به نوعی مؤید استدلال ما در باب علت تشویق شیعیان از سوی اهل بیت علیهم السلام به مهاجرت به این شهر می باشد:

ثُمَّ قَالَ وَ رُوِيَ بِأَسَانِيدٍ عَنِ الصَّادِقِ ع أَنَّهُ ذَكَرَ كُوفَهُ وَ قَالَ سَتَخْلُو كُوفَهُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَأْزُرُ [يَأْرُزُ] عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تَأْزُرُ [تَأْرُزُ] الْحَيَّةُ فِي جِحْرِهَا ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بِلَدَّةٍ يُقَالُ لَهَا قُمٌّ وَ تَصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَ الْفَضْلُ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى الْمُخَدَّرَاتُ فِي الْحِجَالِ وَ ذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهُورِ قَائِمِنَا فَيَجْعَلُ اللَّهُ قُمٌّ وَ أَهْلَهُ قَائِمِينَ مَقَامَ الْحُجَّةِ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا وَ لَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ حُجَّةٌ فَيُفِيضُ الْعِلْمُ مِنْهُ إِلَى سَائِرِ الْبِلَادِ فِي الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ فَيَتِمُّ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ حَتَّى لَا يَبْقَى أَحَدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَمْ يَبْلُغْ إِلَيْهِ الدِّينَ وَ الْعِلْمُ ثُمَّ يَظْهَرُ الْقَائِمُ ع وَ يَسِيرُ سَبَبًا لِنَقْمَةِ اللَّهِ وَ سَخَطِهِ عَلَى الْعِبَادِ لِأَنَّ اللَّهَ لَا يَنْتَقِمُ مِنَ الْعِبَادِ إِلَّا بَعْدَ إِنْكَارِهِمْ حُجَّةً.

المجلسي، محمد باقر (المتوفى ١١١١هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٥٧، ص ٢١٣، ح ٢٣، تحقيق: جمعی از محققان، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ١٤٠٣هـ - ١٩٨٣م.

و به چند سند از امام صادق علیه السلام روایت شده که نام کوفه را برد و فرمود: بزودی کوفه از مؤمنان تهی شود و دانش از او نهان گردد چنانچه مار در سوراخش نهان شود، سپس دانش در شهری پدید شود که به آن قم گویند، و معدن علم و فضل گردد تا آنجا که در روی زمین هیچ نادانی نسبت به دین نماند تا برسد به نو عروسان پرده‌نشین، این نزدیک به ظهور قائم ما باشد، و خدا قم و مردمش را مقام حجت سازد، و اگر آن نباشد زمین اهلش را فرو برد و حجتی در زمین نماند، و دانش از آن به همه بلاد منتشر گردد در مشرق و مغرب و حجت خدا بر مردم تمام شود. تا کسی در روی زمین نماند که علم و دین به او نرسد، سپس قائم ظهور کند و سبب انتقام و خشم خدائی بر بنده‌ها شود، زیرا خدا از بنده‌ها انتقام نگیرد مگر پس از اینکه حجت را انکار کنند.

وَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعِينٍ عَنِ الصَّادِقِ ع قَالَ: أَهْلُ خُرَّاسَانَ أَعْلَامُنَا وَ أَهْلُ قُمَّ أَنْصَارُنَا وَ أَهْلُ كُوفَةَ أَوْلَادُنَا وَ أَهْلُ هَذَا السَّوَادِ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ.

المجلسي، محمد باقر (المتوفى ١١١١هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٥٧، ص ٢١٤، ح ٣٠، تحقيق: جمعی از محققان، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ١٤٠٣هـ - ١٩٨٣م.

و به سندی از امام صادق علیه السلام که مردم خراسان پرچم‌های ما باشند و مردم قم یاران ما و مردم کوفه همچون میخ‌های استوار سازمان ما و مردم این سواد از ما باشند و ما از آنها.

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَفَّانَ الْبَصْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ لِي أُتَدْرِئُ لِمَ سَمِيَتْ قُمَّ قُلْتُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنْتَ أَعْلَمُ قَالَ إِنَّمَا سَمِيَتْ قُمَّ لِأَنَّ أَهْلَهُ يَجْتَمِعُونَ مَعَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ يَقُومُونَ مَعَهُ وَ يَسْتَقِيمُونَ عَلَيْهِ وَ يَنْصُرُونَهُ.

المجلسي، محمد باقر (المتوفى ١١١١هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٥٧، ص ٢١٦، ح ٣٨، تحقيق: جمعی از محققان، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ١٤٠٣هـ - ١٩٨٣م.

و به سندی از عفان بحری که امام ششم علیه السلام بمن فرمود: میدانی چرا قم به این نام شد؟ گفتیم خدا و رسولش و شما داناترید، فرمود: برای آنکه مردمش با قائم آل محمد صلوات الله علیه بپا خیزند و بر او استوار مانند او را یاری کنند.

وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الرَّبِيعِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى بِياعِ السَّابِرِيِّ قَالَ: كُنْتُ يَوْمًا عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ عَ فَجَرِي ذَكَرَ قُمَّ وَأَهْلَهُ وَمَيْلَهُمْ إِلَى الْمَهْدِيِّ عَ فَتَرَحَّمْ عَلَيْهِمْ وَقَالَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ ثُمَّ قَالَ إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ وَوَاحِدٌ مِنْهَا لِأَهْلِ قُمَّ وَهُمْ خِيَارُ شِيعَتِنَا مِنْ بَيْنِ سَائِرِ الْبِلَادِ خَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى وَكَلَيْتَنَا فِي طِينَتِهِمْ.

المجلسي، محمد باقر (المتوفى ١١١١هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٥٧، ص ٢١٦، ح ٣٩، تحقيق: جمعی از محققان، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ١٤٠٣هـ - ١٩٨٣م.

و به سندی از یحیی سابری فروش که روزی نزد ابی الحسن علیه السلام بودیم و ذکر قم و مردمش و میل آنها به مهدی علیه السلام به میان آمد و بر آنها رحمت فرستاد و فرمود: خدا از آنها راضی باشد، و فرمود: راستی بهشت را دو در است و یکی از آنها از آن مردم قم است. آنان بهترین شیعیان ما هستند از میان همه سرزمین ها، خدا دوستی ما را در سرشت آنان خمیر کرده است.

و رُوِيَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَهْلِ الرَّيِّ أَنَّهُمْ دَخَلُوا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ وَقَالُوا نَحْنُ مِنْ أَهْلِ الرَّيِّ فَقَالَ مَرْحَبًا بِإِخْوَانِنَا مِنْ أَهْلِ قُمَّ فَقَالُوا نَحْنُ مِنْ أَهْلِ الرَّيِّ فَأَعَادَ الْكَلَامَ قَالُوا ذَلِكَ مَرَارًا وَأَجَابَهُمْ بِمَثَلِ مَا أَجَابَ بِهِ أَوْلًا فَقَالَ إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَهُوَ مَكَّةُ وَإِنَّ لِلرَّسُولِ حَرَمًا وَهُوَ الْمَدِينَةُ وَإِنَّ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَهُوَ الْكُوفَةُ وَإِنَّ لَنَا حَرَمًا وَهُوَ بَلْدَةُ قُمَّ وَسَتَدْفَنُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ أَوْلَادِي تُسَمَّى فَاطِمَةَ فَمَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ قَالَ الرَّاوي وَكَانَ هَذَا الْكَلَامَ مِنْهُ قَبْلَ أَنْ يُوَلَّدَ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

المجلسي، محمد باقر (المتوفى ١١١١هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٥٧، ص ٢١٦، ح ٤١، تحقيق: جمعی از محققان، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ١٤٠٣هـ - ١٩٨٣م.

و از گروهی از مردم ری روایت است که بر امام ششم وارد شدند و گفتند:

ما اهل ری هستیم، فرمود: مرحبا به برادران قمی ما، گفتند ما اهل ری هستیم و سخن خود را باز گفت، چند بار گفتند و همان پاسخ را شنیدند. پس فرمود: خدا را حرمی است که مکه است، و رسول خدا را حرمی که مدینه است و امیر المؤمنین را حرمی که کوفه است، و ما را هم حرمی که شهر قم است، و البته در آن زنی از فرزندانم به خاک رود به نام فاطمه و هر که او را زیارت کند بهشت بر او واجب شود، راوی گفت: این سخن او پیش از این بود که امام کاظم علیه السلام متولد شوند.

و رُوِيَ عَنِ الْأَئِمَّةِ عَ لَوْلَا الْقُمَّيُونَ لَضَاعَ الدِّينُ.

المجلسي، محمد باقر (المتوفى ١١١١هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٥٧، ص ٢١٧، ح ٤٣، تحقيق: جمعی از محققان، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ١٤٠٣هـ - ١٩٨٣م.

و از ائمه ی اهل بیت علیهم السلام روایت شده که فرمودند: اگر اهالی قم نمی بودند دین از بین می رفت.

با در نظر گرفتن این روایات می توان دلیل دیگر تشویق شیعیان و محبان اهل بیت علیهم السلام به مهاجرت به شهر مقدس قم و دور شدن از بلایا و فتنه ها را علاوه بر حفظ جان و مال و ناموس، حفاظت و حراست از عقائد و انجام آزادانه ی اعمال و مناسک و شعائر مذهبی دانست تا دینشان حفظ گردد که این امر اتفاقا ریشه ی قرآنی نیز دارد:

{إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَأَسِعَةَ فَتَهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (۹۷)} [النساء: ۹۷]

کسانی که بر خویشتن ستمکار بوده اند، [وقتی] فرشتگان جانشان را می گیرند، می گویند: «در چه [حال] بودید؟» پاسخ می دهند: «ما در زمین از مستضعفان بودیم.» می گویند: «مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید؟» پس آنان جایگاهشان دوزخ است، و [دوزخ] بد سرانجامی است.

نتیجه گیری از تمامی روایاتی که در فضیلت قم و دور بودن آن از بلایا و فتنه ها وارد شده آن که:

(الف) بخشی از روایات - عمدتا روایاتی که در بخش مربوط به طرح شبهه نقل شده اند - مجمل هستند و به صورت کلی صرفا به دور بودن شهر مقدس قم از بلایا و فتنه ها بدون اشاره به چگونگی و کیفیت آن اشاره شده است.

(ب) با مراجعه به تمامی روایات و بررسی آن ها و عرضه ی آن ها بر یکدیگر، این روایات یکدیگر را تفسیر می کنند و در نتیجه مقصود از «فتنه» و «بلا» و «سوء» در این روایات روشن می گردد.

بر اساس متون روایات و جمع بندی بین آن ها، شهر مقدس قم از آن جهت که مرکز تشیع می باشد، هم از جهت حفظ و جان و مال و ناموس و هم از جهت نشر معارف و تقویت معتقدات شیعیان اهل بیت علیهم السلام مکانی مناسب و ایده آل جهت مهاجرت شیعیانی بوده که همواره مورد ظلم و ستم حکام و خلفای جور قرار می گرفته اند و از این رو اهل بیت علیهم السلام شیعیان و محبان خود را به مهاجرت به این شهر تشویق کرده اند تا هم جانشان حفظ گردد و هم عقائدشان تقویت شود.

برخی روایات نیز ناظر به جنبه ی نقش مهم و آخر الزمانی شهر مقدس قم و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام از آن به نقاط مختلف و خارج ساختن مردم از استضعاف فکری می باشد که از نظرتان گذشت.

ج) ملاک های فضیلت و برتری شهر مقدس قم و در امان ماندن از ستمگران و جباران که در روایات بالا از نظرتان گذشت، به صورت مطلق و تضمین صد در صدی و به قول معروف چک سفید امضاء نمی باشد و این چیزی است که در روایات به آن اشاره شده است:

و رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ بَهْلُولٍ عَنْ أَبِي مُسْلِمٍ الْعَبْدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ ع قَالَ: تَرَبُّهُ فَمُ مَقْدَسَةٌ وَأَهْلُهَا مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ لَا يَرِيدُهُمْ جَبَّارٌ بِسُوءٍ إِلَّا عَجَلَتْ عُقُوبَتُهُ مَا لَمْ يَخُونُوا إِخْوَانَهُمْ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ جَبَّارَةً سُوءًا أَمَا إِنَّهُمْ أَنْصَارٌ قَائِمِينَ وَ دَعَاةٌ حَقَنَّا ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ قَالَ اللَّهُمَّ اعْصِمْهُمْ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ وَ نَجِّهِمْ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ.

المجلسي، محمد باقر (المتوفى ١١١١هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٥٧، ص ٢١٨، ح ٤٩٦، تحقيق: جمعی از محققان، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ١٤٠٣هـ - ١٩٨٣م.

و به روایتی از امام صادق علیه السلام که خاک قم مقدس است و مردمش از ما باشند و ما از آنها، هیچ زورگو بدانها سوء قصد نکند جز اینکه بزودی کیفر بیند تا وقتی به برادران خود خیانت نکنند، و چون چنین کنند خدا بر آنها زورگویان بدی مسلط کند. آنها یاران قائم باشند و داعیان حق ما، سپس سر به آسمان برداشت و گفت بار خدایا آنها را از هر فتنه نگهدار و از هر هلاکت رهایی بخش.

این روایت نشان دهنده ی آن است که مأمّن بودن قم تا زمانیست که خود مردم و مؤمنان با رفتارهای ناشایست کفران نعمت نکرده و موجب بروز مشکلات نگردند و الا از آن وقت به بعد بایستی منتظر عواقب طبیعی معاصی خود باشند و در چنین حالتی این کلام اهل بیت علیهم السلام در مورد فضائل شهر قم نقض نمی گردد بلکه این خود مردم هستند که با رفتار ناشایست کفران نعمت کرده و موجب کم رنگ شدن نزول برکات و الطاف الهی شده اند.

د) نکته ی مهم دیگری که با توجه به متن تمامی روایات مذکور بدان دست می یابیم آن است که در هیچ یک از این روایات کوچک ترین اشاره ای به مسائل و حوادث طبیعی غیر مترقبه یا قحطی و یا شیوع بیماری ها و مسائل مشابه به صورت صریح و واضح نشده است. بنا بر این، ادعای وجود ارتباط بین این روایات و در امان ماندن شهر مقدس قم از هر نوع حادثه ی طبیعی یا مسائلی چون بیماری ها و آلودگی هوا و... اساسا نادرست است چرا که فضای حاکم بر روایات مورد بحث در امان ماندن قم از تسلط حاکمان ظالم و جبار آن هم به صورت مشروط و همچنین برتری قم از جهت برقرار بودن امنیت جانی برای شیعیان می باشد.

ه) نکته ی دیگری که بایستی به آن توجه کنیم آن است که در تعامل با روایات اهل بیت علیهم السلام همواره بایستی زمان و مکان و شرایط صدور آن روایات را نیز در نظر بگیریم. روایاتی هستند که ناظر به شرایط زمانی یا مکانی خاصی می باشند و یا روایاتی هستند که متعلق به حالات و شرایط خاصی می باشند. از این رو انطباق کامل

همه ی آنها و همچنین جاری ساختن آن در تمامی حالات و شرایط و زمان ها و مکان ها با عدم در نظر گرفتن زوایای مختلف، عملی نادرست می باشد.

برخی از روایات مورد بحث در این نوشتار نیز از این حالت خارج نیستند. به عنوان نمونه در یکی از این روایات، اهل بیت علیهم السلام برای در امان ماندن شیعیان از فتنه های بنی عباس ایشان را تشویق به مهاجرت به قم کرده اند. پر واضح است که این روایت در ظرف زمانی خاصی صادر شده و چه بسا اگر قرار بود در زمان و شرایط فعلی روایتی از جانب اهل بیت علیهم السلام در این باب صادر گردد، صرفاً به شهر قم توصیه نمی شد و کلیه ی مکان هایی که تحت سیطره ی تشیع و قدرت های شیعی هستند و توانایی حفاظت از جان و مال و ناموس شیعیان را دارند از جانب اهل بیت علیهم السلام معرفی می گردیدند.

یا به عنوان نمونه ای دیگر، بخشی از روایات مذکور ناظر به جنبه ی آخر الزمانی شهر مقدس قم و نقش آن در نشر معارف اهل بیت علیهم السلام و خارج ساختن مردم از استضعاف فکری و یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشند که طبیعتاً این دسته از روایات در زمان حال بسیار ملموس تر و قابل فهم تر هستند تا زمان های گذشته و دور.

بنا بر این جنبه ی تاریخی و شرایط زمانی و مکانی صدور روایات نیز بایستی مورد توجه قرار گیرد هر چند که به صورت کلی روایات وارد شده در فضیلت قم و در امان بودن آن از بلایا و فتنه ها محدود به دوره ی تاریخی خاصی نمی باشد و هم اکنون نیز همان ویژگی ها در مورد این شهر صادق است گرچه ممکن است در دوره ای پر رنگ تر و ملموس تر و در دوره ای کم رنگ تر باشد.

۲- آیات و روایات ابتلای مؤمنان، رد کننده ی برداشت غلط از روایات دفع بلا از شهر مقدس قم

مطلب دیگری که در اینجا اشاره به آن ضروری می رسد، مسأله ی ابتلای مؤمنان و شیعیان اهل بیت علیهم السلام به مصائب و بلایا و امتحان شدن ایشان از جانب الله سبحانه و تعالی می باشد. آیات و روایات فراوانی وجود دارد که مؤمنان به بلایا و مصائب دچار شده و آزموده می شوند. به عنوان نمونه خداوند میفرماید:

{وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ} [البقرة: ۱۵۵]

و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی، و کاهش در اموال و جان ها و محصولات می آزماییم؛ و مزده ده شکیبایان را.

و همچنین در روایت آمده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: ذُكِرَ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِ الْبَلَاءُ وَ مَا يَخُصُّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ الْمُؤْمِنَ فَقَالَ سَأَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَ مِنْ أَشَدِّ النَّاسِ بَلَاءً فِي الدُّنْيَا فَقَالَ النَّبِيُّونَ ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَالْأَمْثَلُ وَ يَبْتَلِي الْمُؤْمِنَ بَعْدَ عَلَى قَدْرِ إِيمَانِهِ وَ حُسْنِ أَعْمَالِهِ فَمَنْ صَحَّ إِيمَانُهُ وَ حَسَنَ عَمَلُهُ اشْتَدَّ بَلَاؤُهُ وَ مَنْ سَخَفَ إِيمَانَهُ «۳» وَ ضَعَفَ عَمَلُهُ قَلَّ بَلَاؤُهُ.

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (المتوفى ۳۲۸ هـ)، الكافي، ج ۲، ص ۲۵۲، ح ۲، تحقيق: علي أكبر الغفاري، ناشر: دار الكتب الإسلامية، تهران-ایران، الطبعة الرابعة، ۱۴۰۷ هـ.

عبد الرحمن بن حجاج گوید: خدمت امام صادق علیه السلام سخن از بلا و آنچه خدای عز و جل مؤمن را با آن مخصوص میدارد به میان آمد، حضرت فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند: در دنیا بلای کدام کس سخت تر است؟ فرمود: پیغمبران، سپس هر که به آنها شبیه تر است به ترتیب و بعد از آن مؤمن باندازه ایمان و نیکی کردارش گرفتار شود، پس هر که ایمانش درست و کردارش نیکو باشد گرفتاریش سخت است و هر که ایمانش سست و عملش ضعیف باشد گرفتاریش اندکست.

برای مشاهده ی روایات بیشتر می توانید به باب «شِدَّةِ اِئْتِلَاءِ الْمُؤْمِنِ» در کتاب کافی مراجعه کنید.

با در نظر گرفتن این روایات دو گزینه پیش روی ما قرار می گیرد:

۱) این روایات و تمام روایات دور بودن بلا از قم با یکدیگر تناقض دارند! به این دلیل که در روایات اهل بیت علیهم السلام وارد شده که شهر قم دور از بلایا و فتنه ها می باشد حال آن که در دوره های تاریخی مختلف شیعیان این شهر به مصائب و بلایای مختلفی از حوادث طبیعی و غیر طبیعی گرفتار شده اند.

۲) این روایات تناقضی با یکدیگر ندارند و با تحلیل و شرح و استنباط صحیح کاملاً قابل فهم و قابل جمع با یکدیگر هستند.

تحلیل منطقی آن است که:

الف) روایات مربوط به شهر مقدس قم، همانطور که گفته شد ناظر بر حفظ جان شیعیان در این شهر و در امان ماندن از ظلم و ستم حکام جور می باشد و لزوماً ارتباطی با بلایای طبیعی ندارد. به همین دلیل ممکن است در بسیاری از موارد مؤمنان این شهر نیز همچون سایر مردم به حوادث طبیعی و غیر طبیعی گرفتار شوند و حتی جان خود را نیز از دست بدهند. در امان ماندن از ظلم و ستم نواصب و دشمنان اهل بیت علیهم السلام و آزادی مذهبی

شیعیان در قم یک چیز است و دور ماندن از حوادث طبیعی و غیر طبیعی و یا غیر مترقبه چیز دیگر و این ها اساسا ارتباطی با یکدیگر ندارند.

ب) گرفتار شدن مؤمنان از جمله مؤمنان و شیعیان قم به مصائب و بلاهای طبیعی و غیر طبیعی در بسیاری از موارد می تواند مصداق روایات مربوط به ابتلای مؤمنان باشد هر چند که ممکن است دلایل دیگری نیز داشته باشد.

۳- برقرار بودن اثرات گناهان و معاصی و عقوبت آن در هر شرایطی

مورد دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد آن است که اثرات ناشی از معاصی و گناهان و نافرمانی الله سبحانه و تعالی در هر شرایطی و هر زمان و مکانی برقرار است. اینگونه نیست که اگر کسی در شهری گناهی کند اثرات آن نادیده گرفته شود و اگر فرد دیگری همان گناه را در شهر دیگری مرتکب شود مورد مجازات الهی - چه دنیوی و چه اخروی - قرار گیرد.

با توجه به این نکته، شهر مقدس قم نیز از این قاعده مستثنا نیست. در برخی حالات حتی ممکن است خداوند عذابی را بر بنده ی گنهگار و نافرمان خویش نازل کند و یا وی را به بلایی دچار سازد و آن را کیفر گناهانش قرار دهد. تمامی این ها به خود آن بنده و اعمالش بستگی دارد و اوست که نحوه ی تعامل الله سبحانه و تعالی با خودش را تعیین می کند.

در همین راستا به دو روایت اشاره می کنیم:

و رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ بَهْلُولٍ عَنْ أَبِي مُسْلِمٍ الْعَبْدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ ع قَالَ: تُرِبُهُ فَمُ مَقْدَسُهُ وَأَهْلُهَا مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ لَا يَرِيدُهُمْ جَبَّارٌ بِسُوءٍ إِلَّا عَجَّلَتْ عُقُوبَتُهُ مَا لَمْ يَخُونُوا إِخْوَانَهُمْ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ جَبَّارَةً سُوءَ السَّمَاءِ وَ قَالَ اللَّهُمَّ اعْصِمْهُمْ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ وَ نَجِّهِمْ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ.

المجلسي، محمد باقر (المتوفى ١١١١هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٥٧، ص ٢١٨، ح ٤٩٦، تحقيق: جمعي از محققان، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ١٤٠٣هـ - ١٩٨٣م.

و به روایتی از امام صادق علیه السلام که خاک قم مقدس است و مردمش از ما باشند و ما از آنها، هیچ زورگو بدانها سوء قصد نکند جز اینکه بزودی کیفر بیند تا وقتی به برادران خود خیانت نکنند، و چون چنین کنند خدا بر آنها زورگویان بدی مسلط کند. آنها یاران قائم باشند و داعیان حق ما، سپس سر به آسمان برداشت و گفت بار خدایا آنها را از هر فتنه نگهدار و از هر هلاکت رهائی بخش.

وَعَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ الْحَسَنِيِّ عَنْ إِسْحَاقَ النَّاصِحِ مَوْلَى جَعْفَرَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ قَالَ: قُمْ عَشْرَ
آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَأْوَى شِيعَتِهِمْ وَ لَكِنْ سِيْهْلُكَ جَمَاعَةٌ مِنْ شَبَابِهِمْ بِمَعْصِيَةِ آبَائِهِمْ وَ الْإِسْتِخْفَافِ وَ السُّخْرِيَّةِ بِكِبْرَائِهِمْ وَ
مَشَائِخِهِمْ وَ مَعَ ذَلِكَ يَدْفَعُ اللَّهُ عَنْهُمْ شَرَّ الْأَعَادِي وَ كُلِّ سُوءٍ.

المجلسي، محمد باقر (المتوفى ١١١١هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٥٧، ص ٢١٤، ح ٣١٤، تحقيق: جمعي از محققان، الناشر:
دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ١٤٠٣هـ - ١٩٨٣م.

از امام كاظم عليه السلام نقل شده است كه فرمودند: قم آشيانه آل محمد است و جاىگاه شيعيانشان ولى البته
هلاک شوند گروهى از جوان هايشان به گناه پدران خود و براى خوار شمردن و مسخره كردن بزرگانشان و
مشايخشان و با اين وضع خدا شر دشمنان و هر بدى را از آنها بگرداند.

بنا بر اين اگر شخصى يا اشخاصى حتى در شهر مقدس قم مرتكب معاصى شوند، سزاي عمل خود را - در دنيا يا
آخرت - خواهندديد و در برخى موارد ممكن است اين امر به صورت نزول عذاب الهى نيز باشد چرا كه در برخى از
روايات به اين مطلب اشاره شده كه كثرت برخى گناهان، نزول برخى از انواع عذاب هاى الهى را در پى دارد.

البته دقت داشته باشيد قضاوت قطعى در مورد حوادث طبيعى چون سيل و زلزله و ... و قرار دادن آن به عنوان
مصاديق عذاب الهى در تمامى شرايط و زمان ها و مكان ها - چنان كه برخى افراد كم اطلاع چنين مى كنند -
عملى است كاملاً غلط كه با مبانى شيعه همخوانى ندارد. حوادث طبيعى و غير مترقبه گاهى ممكن است ريشه
در خطاهائى محاسباتى انساني داشته باشد (مانند آتش سوزى جنگل ها در برخى موارد كه ناشى از خطاهائى
عمدى يا غير عمدى انساني مى باشد)، و گاهى هم ممكن است از مصداق عذاب الهى باشند (مانند برخى مواردى
كه در قرآن كريم ذكر شده) و گاهى ممكن است تركيبى از هر دو مورد باشد.

٤- جارى بودن قوانين طبيعت و پايدارى نظام سبب و اسباب در هر حال و زمان و مكان

قوانين حاكم بر طبيعت و حوادث طبيعى در هر حال و زمان و مكانى جارى هستند. مثلاً ظهور و شيوع و يك
بيمارى خاص نتيجه ي يك سرى عوامل مشخص مى باشد كه اگر آن عوامل در هر زمان و مكانى در کنار يكدیگر
جمع شوند موجب شيوع آن بيمارى خاص خواهند شد و يا مثلاً عدم رعايت بهداشت تبعات خاص خود را در پى
دارد. سنت الهى نيز آن است كه در حالت عادى همه چيز طبق قوانين حاكم بر طبيعت پيش برود و پديده ها بر

طبق نظام سبب و اسباب رخ دهند. اینگونه نیست که همواره بایستی معجزه ای رخ دهد و از ظهور و بروز یک سری حوادث جلوگیری شود و اتفاقات دیگری شکل گیرد.

البته باید دقت داشت که بر اساس قرآن کریم و روایات شکی نیست که در مواردی خاص و از باب مسائل خرق عادت و کرامات اولیاء الله اتفاقاتی رخ می دهد که بر خلاف پیش بینی های عادی است و در علت آن مسأله ای وجود دارد که از دید ما پنهان است. اما همانطور که از نام و عنوان پیداست، این موارد در زمره ی «خرق عادت» می باشند و نیز به ندرت رخ می دهند. مثلاً خداوند ممکن است بلايایی را به واسطه ی حضور افرادی در یک مکان از آنجا دور کند یا به تأخیر بیندازد. چنانچه در برخی روایات مربوط به شهر مقدس قم چنین نقل شده است:

وَ قَالَ ع لَزَكْرِيَّا بَنِ آدَمَ الْقُمِّيِّ حِينَ قَالَ الشَّيْخُ عِنْدَهُ يَا سَيِّدِي إِنِّي أُرِيدُ الْخُرُوجَ عَنْ أَهْلِ بَيْتِي فَقَدْ كَثُرَتِ السَّفَهَاءُ فَقَالَ لَا تَفْعَلْ فَإِنَّ الْبَلَاءَ يُدْفَعُ بِكَ عَنْ أَهْلِ قَوْمٍ كَمَا يُدْفَعُ الْبَلَاءُ عَنْ أَهْلِ بَغْدَادَ بِأَبِي الْحَسَنِ الْكَاظِمِ ع.

المجلسي، محمد باقر (المتوفى ١١١١هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٥٧، ص ٢١٧، ح ٤٥، تحقيق: جمعی از محققان، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ١٤٠٣هـ - ١٩٨٣م.

هنگامی که زکریا بن آدم قمی به آن حضرت (امام رضا علیه السلام) گفت: ای آقایم میخواهم از میان خاندانم بیرون روم که نابخردان در آن فراوان شدند، فرمود: چنین مکن زیرا بوجود تو بلاء از مردم قم دور می شود چنانچه بوجود امام هفتم بلاء از مردم بغداد دور شد.

نکته ی دیگر آن که بر اساس قرآن و روایات، ظهور و بروز حوادث و بلايای طبیعی در برخی موارد از باب عذاب الهی است اما باید دقت داشته باشیم که هر حادثه و بلاي طبیعی لزوما عذاب الهی نیست. یک حادثه ی ناگوار طبیعی (سیل، زلزله، طوفان سهمگین و ...) ممکن است عذاب الهی باشد و ممکن است ناشی از خطای انسان ها در محاسبات و وظیفه ی محوله به آنان باشد و یا ترکیبی از هر دو باشد. برای مثال ممکن است عذاب الهی وجود داشته باشد و خطا و سهل انگاری های انسانی نیز بر آثار آن بیفزاید. یعنی یک چنین حادثه ای می تواند در آن واحد هم علت الهی و ماورایی داشته باشد و هم علت مادی و طبیعی و یا این که می تواند صرفا دارای یکی از این جنبه ها باشد.

به هر جهت بر اساس آن چه که در این قسمت گفته شد و با تطبیق موارد مذکور بر شهر مقدس قم و با توجه به روایاتی که در این زمینه موجود است (منظور روایاتی است که در قسمت های قبلی نقل شد مبنی بر این که در امان ماندن قم از حاکمان ظلم و جور، مطلق و تغییرناپذیر نیست و مشروط می باشد)، شهر مقدس قم نیز در مسأله ی ظهور و بروز حوادث و بلايای طبیعی تابع قوانین طبیعت و نظام سبب و اسباب می باشد.

پاسخ به یک شبهه در مورد روایات عدم تسلط حاکمان ظالم و جبار بر قم

در اینجا ممکن است در مورد روایاتی که ناظر بر عدم تسلط حاکمان جبار بر شهر مقدس قم می باشد شبهه ای مطرح گردد که اگر ما این روایات را بپذیریم، تسلط برخی حاکمان ظالم و خونریز در برخی دوره های تاریخی بر ایران و از جمله قم و کشت و کشتار برخی از مردم این شهر به وسیله ی آنان و عمّالشان قابل توجیه است؟ پاسخ آن که در هر حال دو حالت بیشتر وجود ندارد:

۱- این وقایع تاریخی ناقض روایات مذکور می باشند و در نتیجه روایات از درجه ی اعتبار ساقط هستند.

۲- روایات مذکور و حوادث تاریخی مورد بحث قابل جمع با یکدیگر هستند.

بدیهی است که پاسخ انتخابی ما همان گزینه ی دوم می باشد اما شرح پاسخ در ادامه می آید.

با توجه به آن چه از نظرتان گذشت:

الف) بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام خداوند اراده ی سوء حاکمان ظالم و جبار در مورد شهر مقدس قم را به خودشان برمی گرداند و نیات شوم آنان در مورد این شهر تحقق نمی یابد و ظالمی بر آن مسلط نمی گردد.

ب) مورد «الف» (یعنی عدم تسلط جباران بر قم) مشروط می باشد. به این معنا که این وعده ی الهی در مورد شهر مقدس قم مشروط بر آن است که مؤمنان و مردم قم به یکدیگر خیانت نکنند که اگر چنین کنند اتفاقاً خداوند ظالمان را بر آنان حاکم می کند.

ج) جایگاه «ابتلای مؤمنان» نیز مسأله ی ویژه ای است که باید در این زمینه به آن توجه کرد. یعنی ممکن است در برخی دوره های تاریخی مردم شهر مقدس قم از باب «ابتلای مؤمنین به بلایا و مصائب» به مواردی گرفتار شده باشند.

با توجه به وعده ی حفظ مشروط این شهر از حاکمان ظالم، اگر هم مورد یا مواردی در تاریخ یافت شود که ظالمی صدمه ای به این شهر و مردم آن وارد آورده،

اولاً: این صدمات مقطعی بوده و در دراز مدت این مؤمنان و شیعیان اهل بیت علیهم السلام بوده اند که در نهایت با یاری خداوند و عنایات اهل بیت علیهم السلام پیروز شده اند که اگر چنین نمی بود این شهر تا به امروز از مراکز اصلی تشیع نمی ماند.

ثانیاً: این نوع صدمات در حکم آزمایش الهی مؤمنان و ابتلای آنان به مصائب و سختی ها بوده که نهایتاً هم پیروزی آنان را به دنبال داشته و هم بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام بر درجات ایمانی ایشان افزوده است.

د) مسأله ی اساسی دیگر «اثرات ناشی از گناهان و معاصی» می باشد. همانطور که در یکی از روایات مربوط به شهر مقدس قم گفته شد، امام علیه السلام چنین فرموده اند:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ ع قَالَ: تُرْبَةُ قُمْ مَقْدَسَةٌ وَ أَهْلُهَا مَنَا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ لَا يَرِيدُهُمْ جَبَّارٌ بِسُوءٍ إِلَّا عَجَلَتْ عُقُوبَتُهُ مَا لَمْ يَخُونُوا إِخْوَانَهُمْ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ جَبَابِرَةً سَوْءًا...

المجلسي، محمد باقر (المتوفى ١١١١هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٥٧، ص ٢١٨، ح ٤٩٦، تحقيق: جمعي از محققان، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ١٤٠٣هـ - ١٩٨٣م.

و به روایتی از امام صادق علیه السلام که خاک قم مقدس است و مردمش از ما باشند و ما از آنها، هیچ زورگو بدانها سوء قصد نکند جز اینکه به زودی کیفر ببیند تا وقتی به برادران خود خیانت نکنند، و چون چنین کنند خدا بر آنها زورگویان بدی مسلط کند...

به هر جهت چنین چیزی امکان وقوعی دارد که در دوره ای از دوران تاریخی مردم و مؤمنان قم دچار لغزش شده باشند و در پی این لغزش به صورت مقطعی به حاکم یا حاکمانی جبار گرفتار شده باشند و این نتیجه ی عملکرد خود ایشان می باشد همانطور که خداوند میفرماید:

{وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ} [الشورى: ٣٠]

و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد به سبب دستاورد خود شماست، و [خدا] از بسیاری درمی گذرد.

دقت داشته باشید که ما در اینجا صرف یک احتمال که امکان وقوعی دارد و ریشه در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز دارد را مطرح ساختیم و منظورمان آن نیست که تسلط مقطعی برخی حاکم ظالم بر شهر مقدس قم قطعاً و فقط به دلیل آن است که مؤمنان در این شهر دچار لغزش شده و نسبت به یکدیگر خیانت کرده اند و در نتیجه خداوند ظالمان را بر ایشان مسلط ساخته است!

ه) نهایتاً آن که اگر در مجموع به تاریخ شهر مقدس قم پس از آن که تبدیل به مرکز و ملجا شیعیان شده نگاه می بیندازیم در می یابیم که برخی حوادث تلخ و ناگواری که در آن از سوی حاکمان ظالم در ادوار مختلف تاریخی رقم خورده بسیار مقطعی و غیر پایدار بوده و نهایتاً این جبهه ی تشیع بوده که با نصرت الهی به حیات اعتقادی و سیاسی و اجتماعی خویش ادامه داده است و همان تسلط مقطعی ظالمان نیز چنانچه از نظر گذشت یا از باب ابتلای مؤمنان است و یا ممکن است نتیجه و عواقب طبیعی برخی معاصی و لغزش های مؤمنان باشد که خداوند با هدف بیدار ساختن ایشان آنان را به چنین مواردی آزموده و دچار ساخته است. حتی همان حوادث نیز نهایتاً منجر به شکوفایی و رشد و قدرت گرفتن بیش از پیش تشیع شده و پس از هر دوره، این نهادهای شیعی بوده اند که در اثر برکت خون شهدای تشیع به مراتب بالاتری دست یافته اند.

پاسخ های نقضی

پس از ارائه ی پاسخ های تفصیلی، با توجه به طرح شبهه ی مورد بحث از سوی گروه ها و مکاتب فکری مختلف، مناسب است تا پاسخ های نقضی کوتاهی نیز ارائه گردد.

۱. پاسخ نقضی به مخالفین شیعه

حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ بُكَيْرٍ، حَدَّثَنَا اللَّيْثُ، عَنْ عَقِيلٍ، عَنِ ابْنِ شَهَابٍ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو سَلَمَةَ، وَسَعِيدُ بْنُ الْمُسَيَّبِ، أَنَّ أَبَا هُرَيْرَةَ، أَخْبَرَهُمَا: أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «فِي الْحَبَّةِ السُّودَاءِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ، إِلَّا السَّامَ».

البخاري الجعفي، ابوعبدالله محمد بن إسماعيل (المتوفى ۲۵۶هـ)، صحيح البخاري، ج ۷، ص ۱۲۴، ح ۵۶۸۸، تحقيق: محمد زهير بن ناصر الناصر، ناشر: دار طوق النجاة، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۲هـ.

ابوهریره می گوید از رسول خدا (ص) شنیدم که می فرمودند: در سیاه دانه شفای هر بیماری وجود دارد بجز مرگ. اکنون این سوال - از باب پاسخ نقضی - مطرح می شود که چرا مخالفان شیعه که چنین روایتی با سند کاملاً معتبر در معتبر ترین کتاب روایی خود را دارند، برای درمان بیماری هایشان فقط به سیاه دانه اکتفا نمی کنند؟!

۲. پاسخ نقضی به مسیحیت

۱۴- و هرگاه کسی از شما بیمار باشد، کشیشان کلیسا را طلب کند تا برایش دعا نمایند، و او را به نام خداوند به روغن تدهین کنند.

۱۵- و دعای ایمان، مریض را شفا خواهد بخشید و خداوند او را خواهد برخیزانید، و اگر گناه کرده باشد، از او آمرزیده خواهد شد.

۱۶- نزد یکدیگر به گناهان خود اعتراف کنید، و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا یابید، زیرا دعای مرد عادل در عمل، قوت بسیار دارد.

عهد جدید، رساله ی یعقوب، فصل ۵، فقره ی ۱۴ الی ۱۶.

سوالی که از باب پاسخ نقضی و جدلی مطرح می شود آن است که چرا مسیحیان امروزه با عمل به این توصیه ی عهد جدید بیماری ها را درمان نمی کنند؟! و اساساً با چنین توصیه ای چرا با اعتراف به گناهان خود نزد یکدیگر به دنبال شفا نمیروند!

۳. پاسخ نقضی به زرتشتیان و باستان‌گرایان افراطی

در اوستا چنین آمده است:

کسی [از پزشکان] به یاری «اشه» درمان کند. کسی [از پزشکان] به یاری دانش درمان کند. کسی [از پزشکان] با کارد درمان کند. کسی [از پزشکان] با گیاهان درمان کند. کسی [از پزشکان] با منتره (منتره) درمان کند. درمان بخش‌ترین پزشکان کسی است که با منتره ی ورجاوند درمان کند.

دوستخواه، جلیل، اوستا، اردیبهشت یشت، ص ۲۸۸، ناشر: انتشارات مروارید، چاپ: دهم، ۱۳۸۵ خورشیدی.

چرا امروزه زرتشتیان از این راه برای درمان تمامی بیماری‌ها استفاده نمی‌کنند؟! جالب است بدانید در بخش‌های دیگر از اوستا مانند عبارات آخر وندیداد، درمان با منتره (ورد و ذکر) از درمان با دارو و جراحی نتیجه بخش‌تر دانسته شده است و حتی بر اساس پاورقی ترجمه آقای پورداود ذیل عبارت بخش وندیداد، در ایران باستان درمان با ورد و ذکر را مثمر‌تر میدانستند! آیا زرتشتیان و باستان‌گرایان افراطی اکنون معتقد هستند آن ورد‌ها از کار افتاده است و یا اینها را خرافاتی میدانند که در آیین زرتشت و ایران باستان وجود داشته است؟!

۴. پاسخ نقضی به علم پرستان و قائلین به اصالت علم و تجربه

به تدریج با آغاز انقلاب صنعتی، این باور در برخی ایجاد شد که تنها با تکیه بر دانش بشر و علم و تجربه می‌توان سعادت و خوشبختی انسان را رقم زد و از این رو عده‌ای برای علم و تجربه و دانش بشر اصالت قائل شدند و آن را تنها مبنای خود قرار دادند و دیگران را که چنین اعتقادی نداشتند را سرزنش کردند.

با گذشت زمان و مشاهده‌ی نتایج حاصل از این دیدگاه به تحقیق ثابت شده که نه تنها این دیدگاه صحیح نبوده بلکه حتی در برخی مواقع این دیدگاه خود بالای جان انسان‌ها شده و تبدیل به یکی از عوامل اصلی مرگ و میر شده است!

به عنوان نمونه، در گزارشی در وبسایت CNBC آمده است:

A recent Johns Hopkins study claims more than ۲۵۰'۰۰۰ people in the U.S. die every year from medical errors. Other reports claim the numbers to be as high as ۴۴۰'۰۰۰.

Medical errors are the third-leading cause of death after heart disease and cancer.

مطالعه ی اخیر موسسه ی جان هاپکینز مدعیست که سالانه بیش از ۲۵۰ هزار نفر در ایالات متحده ی آمریکا بر اساس اشتباهات پزشکی جان خود را از دست می دهند. گزارش های دیگر مدعی هستند که این تعداد بیش از ۴۴۰ هزار نفر در سال است.

اشتباهات پزشکی پس از بیماری های قلبی و سرطان سومین عامل مرگ و میر [در آمریکا] می باشند.

لینک گزارش خبری:

<https://www.cnbc.com/2018/02/22/medical-errors-third-leading-cause-of-death-in-america.html>

سوال این است که اساسا مگر قرار نبود علم پزشکی به تنهایی مورد توجه قرار گیرد و انسان ها برای نجات خود تنها به آن روی آورند؟ پس چرا در کشوری چون آمریکا که مدعی پیشرفت های شگرف در علوم مختلف از جمله پزشکی می باشد، اشتباهات و خطاهای انسانی و پزشکی از عوامل اصلی مرگ و میر به حساب می آید؟! و باز هم به شکل پاسخی نقضی سوال می شود که چرا گاهی در هنگام اپیدمی شدن برخی بیماری ها به مردم توصیه میکنند جز در موارد خاص به مراکز پزشکی مراجعه نکنند، به این دلیل که همان مراکز تبدیل به محل انتشار بیماری شده است!

نتیجه گیری

(الف) با بررسی روایات مورد بحث در خصوص شهر قم مشخص گردید که این روایات لزوما ارتباطی به بلائی طبیعی و حوادث غیر مترقبه ندارند.

(ب) فضای حاکم بر روایات مورد بحث، در امان ماندن شهر مقدس قم از فتنه های امنیتی و سیاسی و حاکمان ظالم و حفظ جان شیعیان و مؤمنان ساکن در آن از کشت و کشتار دشمنان تشیع می باشد.

(ج) حفظ شهر مقدس قم از ظلم حاکمان ظالم مشروط به رفتار ساکنین آن می باشد.

(د) اثرات طبیعی و عقوبت گناهان و همچنین نظام سبب و اسباب و ابتلای مؤمنان به بلایا و مصائب در مورد شهر مقدس قم نیز ساری و جاری است و در این زمینه تفاوتی بین شهر مقدس قم و سایر شهرها و سرزمین ها وجود ندارد.

هد) شبهه ی طرح شده از سوی معاندان و مخالفان، به طریق اولی بر علیه خود ایشان وارد است و در این زمینه پاسخ های نقضی مستندی نیز ارائه شد.

کاری از گروه پژوهشی واحد ادیان، فرق و قومیت های جنبش مصاف
(افق)